

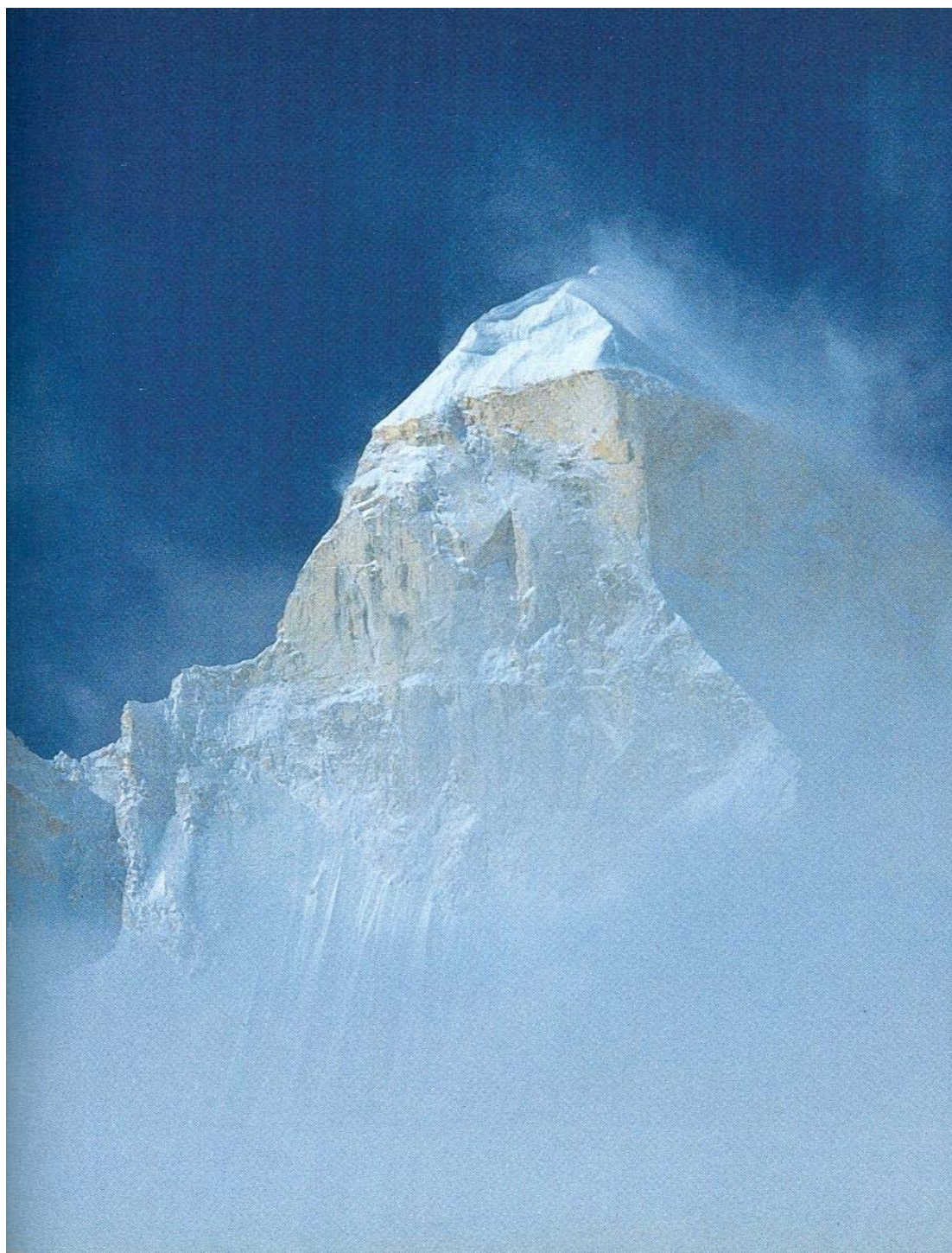
شیولینگ ۶۵۴۳ متر

تیغه شرقی

از بین صدها قله جادویی در گاروال هیمالیا (Garhwal Himalaya)، شیولینگ واقع در مدخل غربی یخچال گانگوتری (Gangotri) می بایست مهیج ترینشان باشد. پوزه یخچال گاموک (Gaumukh) نامیده می شود، به معنای دهان گاو. این نقطه سرچشمه رود گنگ مقدس ترین شاخه رود بهاگیراتی است. هزاران زائر هندو هر ساله به این جا می آیند و جمع کثیری از آن ها که خود را وقف عبادت کرده اند برای زیارت ستون های گرانیتی که به سوی آسمان سر برافراشته اند به سمت مناطق مرتفع تر و علفزار های تاپوان (Tapovan) به راه می افتند. شیولینگ برای هندوها مظهر قدرت آفرینندگی شیوا (Shiva) و برای کوهنوردان، کوهی است که جوهر اصیل کوهنوردی را به نمایش در می آورد. زمانی که کالین کرکاس و چارلز وارن در سال ۱۹۳۳ برای اولین صعود بهاگیراتی ۳ به این منطقه آمدند، آن را قله ماترهورن (Matterhorn) نامیدند که در واقع نام قله ای در آلپ است؛ این کوه از تاپوان دقیقاً همان هرم یکپارچه ماترهورن را تداعی می کرد. با این حال با ادامه صعود به سمت بالای یخچال گانگوتری خواهید دید که این کوه دارای دو قله است که به طرز جالب توجهی شبیه یکدیگرند. با حرکت به سمت دیگر کوه و به سمت یخچال مرو (Meru) هم باز همان تصویر قرینه را خواهید یافت. این تقارن جذب این قله را دوچندان می کند و به آن منظره زیبایی می بخشد.



سادهوس (Sadhus)، مردان مقدس در گاموک، دهان گاو، که منطقه ای است که رود بهاگیراتی از یخچال گانگوتری سرچشمه می گیرد، خود را می شویند



شیولینگ، یکی از زیباترین قله ها در تمام سرزمین هندوستان. برف تازه در اوایل ماه می نمای دندانه دار
یال غربی در سمت چپ را پوشانده است. (بوت جان کلیر/ماونتین کمرا) *Both John Cleare/Mountain*
(Camera)

یخچال گانگوتری ۳۰ کیلومتر طول دارد و به همراه شاخه هایش منطقه وسیعی را می پوشاند که توسط قله های ۶۰۰۰ متری محصور شده است. در میان این قله ها نام های معروفی وجود دارند؛ نام های همچون چاوکامبا (Chaukamba)، کدارنات (Kedarnath)، ساتوپانت (Satopanth) و سری کایلاس (Sri Kailas). این ها به همراه تمام یخچال ها و قله های اطراف این دایره، فرصت های بی نظیر فراوانی برای صعودهای ارزشمند در اختیار قرار می دهد. اما برای مقاصد مورد نظر این کتاب، تنها به ۳ صعودی که به طور مشخص گانگوتری را از گاروال متمایز می کند می پردازیم. یعنی مخروط های گرانیتهی بهاگیراتی ۳، تالای ساگار (Thalay Sagar) و شیولینگ..

شیولینگ، مهمترین قله در میان قله های ذکر شده، در سال ۱۹۷۴ توسط یک تیم از پلیس مرزی هندی - تبتی صعود شد. سرپرستی این گروه بر عهده کوهنورد حرفه ای، هوکام سینگ (Hukam Singh) بود. تیم او بر روی تنها نقطه ضعف موجود در استحکامات دفاعی این کوه عظیم کار می کردند. تیغه مختلط یال غربی، که گذرگاهی را تا مسیر میان دو قله به وجود آورده است و به یک یال برفی شیب دار که به قله اصلی می رسد، منتهی می شود. این گذرگاه نزدیک زیر گردنه توسط یک نقاب عظیم تهدید می شود، نقابی که بعضی سال ها بسیار ناپایدار است. در سال ۱۹۹۴ یک تکه بزرگ از آن جدا شد و یک بارگاه هندی را در تیغه پایین دست ویران کرد و نزدیک بود یکی از کوهنوردان را به کام مرگ بکشاند. بنابراین این مسیر به هیچ عنوان مسیر سراسر است و مستقیمی نیست و می توان گفت مسیر متناظر آن بر روی جبهه شرقی که مسیری سنگوردی و از لحاظ فنی بسیار دشوارتر است، اما ثابت شده که امن تر است، مسیر اصلی است. این مسیر در سال ۱۹۸۳ توسط ماساکی ناکائو (Masaki Nakao)، کنجی اوهاما (Kenji Ohama) و ماسامی یاماگاتا (Masami Yamagata) صعود شد.

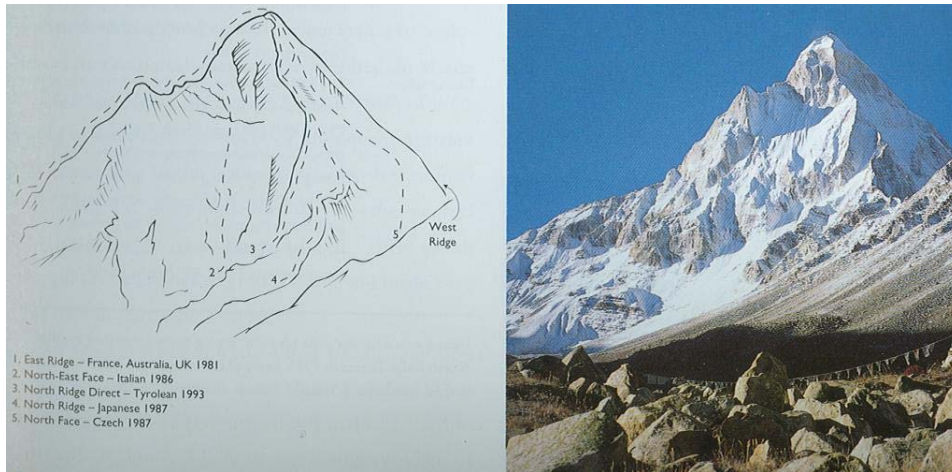
همچنین در سپتامبر ۱۹۸۳ فاتح سرسخت قله های صعود نشده، کریس بانینگتون، اولین صعود بر روی قله جنوب غربی شیولینگ را به همراه جیم فوترینگهام (Jim Fotheringham) انجام داد. این زوج صعود را از کرتی باما (Kirti Bamak) شروع کردند و قسمت های نامناسب پایین دستی یال جنوب شرقی را با صعود سریع به بالای یک دهلیز خطرناک دور زدند، و سپس به تیغه منحنی زیبای گرانیتهی یال بالایی

رسیدند، که خبر از نبردی جانانه تا رسیدن به قله را می داد. مسیر قرینه - یال جنوب غربی قله جنوب غربی - توسط کوهنوردان استرالیایی، بریجیت مویر (Brigitte Muir)، جان مویر (Jon Muir) و گریمی هیل (Graeme Hill) در سال ۱۹۸۶ صعود شده بود. آن ها هم فرودشان را از طریق پایین رفتن تا مسیر مابین دو قله و از آن پس تا مسیر اصلی یال غربی انجام دادند.



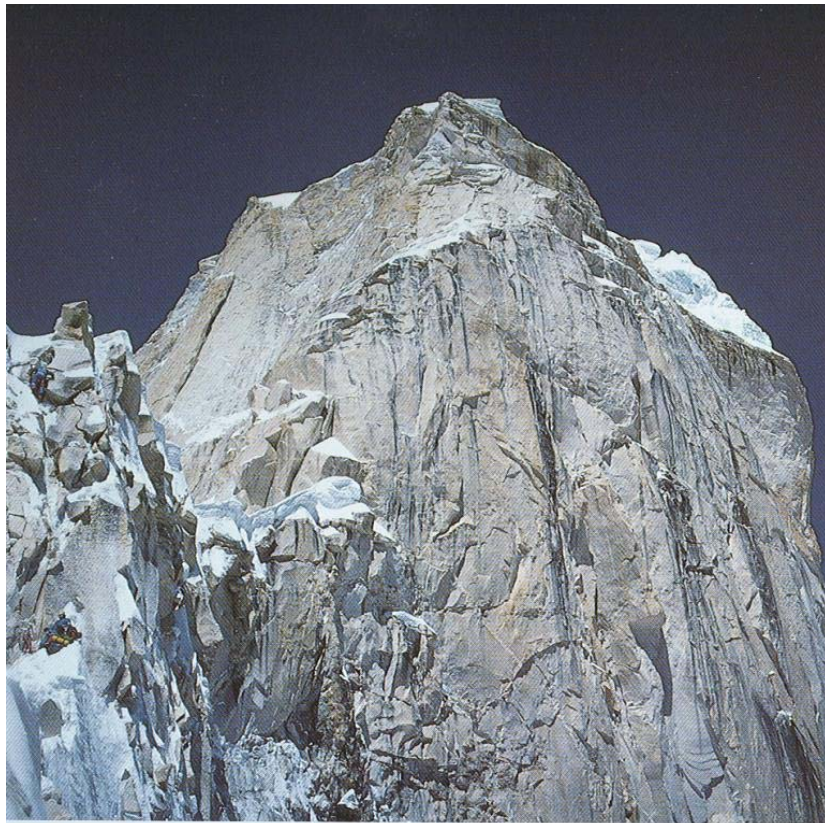
تقارن منحصر به فرد شیولینگ در نمایی از کرتی باماک به سمت شرق. یال شرقی قله اصلی درست در سمت راست قرار دارد. در سمت چپ انحنای زیبای یال جنوب شرقی قله جنوب غربی قرار دارد، که توسط کریس بانینگتون و جیم فوترینگهام در سال ۱۹۸۳ صعود شد. در پشت آن در سمت چپ، خط افقی، یال جنوب غربی است که صعود آن توسط بریجیت و جان مویر و گریمی هیل استرالیایی در سال ۱۹۸۶ انجام شد. مسیری که تقریباً به طور مستقیم به گردنه میان دو قله منتهی می شود، مسیر ژاپنی ها در سال ۱۹۸۳ بر روی جبهه جنوب شرقی است و توسط مازاکی ناکانو (Masaki Nakano)، کنجی اوهاما و ماسامی یاماگاتا گشوده شد. یک هیئت انگلیسی که این مسیر را در سال ۱۹۸۶ صعود کردند آن را بسیار عالی توصیف کردند، بالاخص آخرین طول با تراورس به سمت چپ (بر روی گیره های بزرگ) تا گردنه. (جان کلیر/ماونتین کمرا)

با این که قله غربی همانند هر قله افسانه ای دیگر بسیار نوک تیز است، اما به احتمال قریب به یقین اولین انتخاب قله اصلی خواهد بود، که بر قسمت ورودی گانگوتری سایه افکنده است. اثبات شده که مسیر اصلی یال غربی حتی با وجود یخچال های معلق خطرناکش همیشه مسیر پرطرفداری است. به هر صورت مسیرهای قابل مشاهده از تاپوان مسیرهای مستقیم تر، زیباتر و فنی تر هستند.



ظاهر ماترهورن مانند شیولینگ و خیز زیبای آن بر فراز تاپوان در یک صبح دل انگیز ماه اکتبر. در تلاشی بر روی یال غربی در آن ماه، کری استانییر (Larry Stanier) دمای هوای صبح را ۳۵ درجه زیر صفر ثبت کرد. (کری استانییر)

اولین مسیر فنی پیچیده ای که صعود شد، مسیر شرقی بود، که گشایش آن در سال ۱۹۸۱ توسط تیم انگلیسی-استرالیایی-فرانسوی انجام شد. این تیم متشکل بود از داگ اسکات، گرگ چایلد (Greg Child)، ریک وایت (Rick White) و ژرژ بتمبور (Georges Bettembourg). این صعود به خصوص برای چایلد و وایت دستاورد بزرگی بود، چرا که آن ها تقریباً هیچ تجربه ای در کوه های برفی نداشتند. البته یال شرقی قسمت هایی شامل سنگنوردی بسیار دشوار دارد، اما قسمت هایی هم هست که صعود از آن ها مستلزم گذر از یال های بسیار تیز فوق آلی سرگیجه آور است، که حتی از یوسمیتی (Yosemite) هم مهلک ترند. این مسیر در یک حمله سیزده روزه صعود شد و تا آن زمان شاید دشوارترین صعود همالیایی فنی بود که به روش سبکبار انجام شده بود.



دهمین روز صعود، ژرژ بتنبور در حالی که توسط ریک وایت حمایت می شود، لبه تیز منتهی به دیواره بزرگ یال شرقی را صعود می کند. در سمت راست دیواره با شیب منفی بر بالای مسیر مستقیم یال شمالی قرار دارد. (گرگ چایلد)

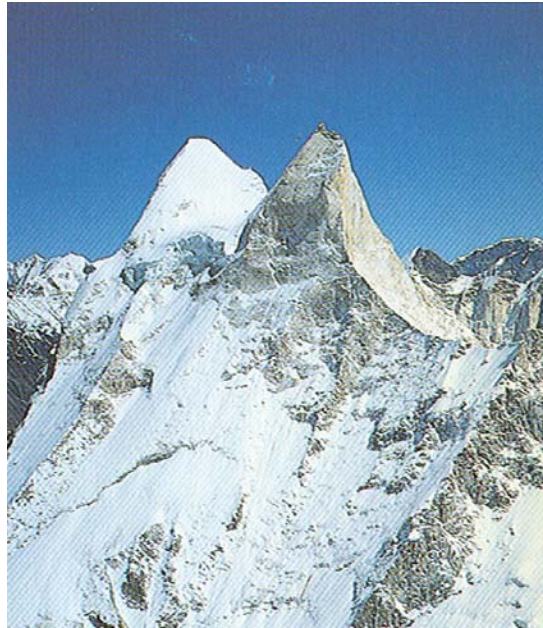
در سال ۱۹۸۳ تلاشی بر روی جبهه شمالی توسط کوهنوردان انگلیسی، نیک ککوس (Nick Kekus) و ریچارد کاکس (Richard Cox) انجام گرفت، که به نتایج غم انگیزی ختم شد. خصوصیت بارز این جبهه منطقه ای یخی با شیب ۶۵ درجه است. صعود از این جبهه مستلزم صعود ترکیبی دشوار و دو قسمت سنگنوردی با درجه دشواری VI/A^۱ است. در روز پنجم این زوج از قسمت یخی عبور کرده و صعود دیواره انتهایی را شروع کردند اما در بالای اولین طول با کنده شدن یکی از میانی ها کاکس ۲۰ متر سقوط کرد و قوزک پایش شکست. پس از یک روز تاخیر به علت هوای طوفانی ککوس تلاشی را برای انتقال کاکس به پایین جبهه آغاز کرد. هنگام فرود، کاکس که بسیار ضعیف شده بود از طناب خارج، سقوط کرد و کشته شد. ککوس توانست به تنهایی فرود بیاید. این جبهه ۳ سال بعد توسط کوهنوردان ایتالیایی، پائولو

برناسکونه (Paolo Bernascone)، فابریتزئو مانونی (Fabrizio Manoni) و انریکو روسو (Enrico Rosso)، با موفقیت صعود شد. هر چند که مجبور شدند از بالای قسمت یخی به صورت اُریب به سمت چپ تا آخرین دیواره تیغه شرقی تراورس کنند، که به اندازه دیواره انتهایی دشوار شمال شرقی پرشیب نیست.

یک مسیر نسبتاً مستقیم ۱۷۰۰ متری بر روی جبهه شرقی توسط ۳ کوهنورد از جمهوری چک به نام های برونیسلاو آدامک (Bronislaw Adamec)، پاول رایف (Pawel Rajf) و ییری زویدا (Jiri Svejda) در سال ۱۹۸۷ صعود شد. در این مسیر یک قسمت یخی در ارتفاعات پایین تر به قیف مرکزی با طول های سنگی با درجه سختی IV+ و یخ با شیب ۷۰ درجه منتهی می شود. قیف در قسمت های بالاتر به یخچالی می رسد که در قسمت های انتهاییش دارای شیارهایی پوشیده از یخ ناشی از ذوب برف با شیب ۷۵ تا ۸۰ درجه است، که آن ها نیز تا دیواره انتهایی بالا می روند. در این جا بر خلاف جبهه شمال شرقی، دیواره انتهایی توسط یک تنوره عمیق به دو قسمت تقسیم می شود. اگرچه صخره ها کمی ریزشی اند اما به سرعت شرایط بهتر شده و یک صعود و سنگنوردی مختلط بسیار زیبا و با درجه سختی V+ در پیش رو خواهد بود. صعودی که تا رسیدن به یخچال منتهی به قله ادامه دارد. این مسیر از آنجا که دیواره انتهایی را دور نمی زند به نظر می رسد جذاب تر از رخ شمال شرقی باشد، اما چک ها نسبت به خطر بهمن در قیفی که صعود کردند هشدار می دهند.

یک مسیر اصلی دیگر هم در سمت شمالی کوه وجود دارد. یال شمالی که جبهه شمال شرقی را از جبهه شمالی جدا می کند. یال شرقی با وجود مسیرهای افقی و چکاد های زیبایش صعود کننده را سرگرم و ترغیب می کند، اما یال شمالی کاملاً مستقیم است. هیچ گونه اثری از کم شدن زاویه و ملایم شدن شیب در این قسمت دیده نمی شود، بسیار خشن و همانند این است که این یال برای رسیدن به قله بسیار عجله دارد. به دلیل مستقیم بودن آن شاید بهترین مسیر بر روی این کوه باشد. مسیر غیر مستقیم آن توسط یک گروه ژاپنی در سال ۱۹۸۷، با دنبال کردن تیغه پر اوج و فرودتر سمت راستی در قسمت های پایین تر، صعود شد. آن ها در بالا جهت احتراز از صعود دیواره آخر، به سمت راست و تنوره انتهایی جبهه شمال غربی تراورس قطری طولانی را انجام دادند. در سال ۱۹۹۳ این مسیر توسط یک راهنمای اهل تیروول به

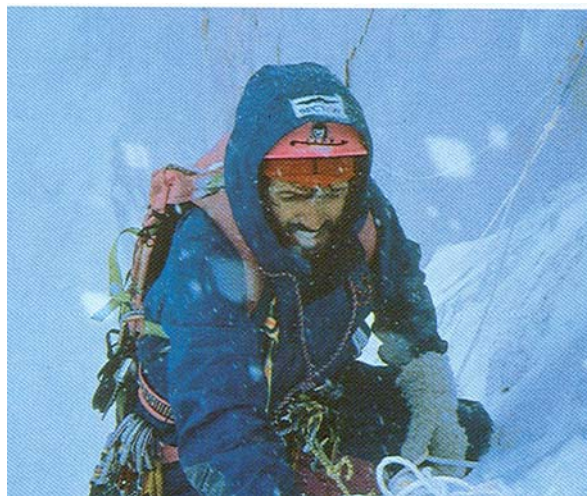
نام کریستف هاینتز (Christoph Hainz) و همسایه و همکار مسن ترش هانس کامرلاندر (Hans Kammerlander) که به خاطر صعودهای سریعش با راینهولد مسنر به چندین هشت هزار متری چهره ای شناخته شده بود، به مقدار قابل توجهی مستقیم سازی شد.



(دو قله شیولینگ در نمایی از شارک فین (Shark's Fin) بر روی مرو (Meru)، یال سنگی غربی که به تقاب ختم می شود؛ تقابی که محافظ گردنه میان دو قله است در تصویر دیده می شود. این تقاب می تواند بسیار مشکل ساز، و در بعضی از سال ها، خطرناک باشد. مسیر استرالیایی ها به سمت قله جنوب غربی در جلوی تصویر است. در پشت شیولینگ بهاگیراتی II ، III و I در سمت مقابل یخچال گانگوتری قرار دارند. (پل پریچارد (Paul Pritchard))

مسیر مستقیم به بالا بر روی تیغه شمالی صعود بسیار جذابی به نظر می رسد. جالب توجه ترین موضوع این است که کامرلاندر و هاینتز پس از هم هوایی اولیه در ارتفاع ۵۷۰۰ متر، ۸۵۰ متر پایانی تا قله را فقط در ۱۲ ساعت صعود کردند و برای اجتناب از گرفتاری در طوفان ظرف ۱۲ ساعت با طناب فرود آمدند و به بارگاه اصلی بازگشتند. متاسفانه گرفتن جزئیات ممکن نبوده است، اما چنانچه ارتفاعات درست ثبت شده باشند می بایست اذعان کرد که روز حمله برای این تیم دو نفره، روز به طرز باور نکردنی پرکاری

بوده است. در حالیکه ژاپنی ها توانستند از روی یک سیستم طاقچه ای خود را به جبهه شمالی برسانند و قله را صعود کنند، آن ها فقط کمی به سمت راست دیواره گرانیته انتهایی که شیب عمودی و گاه منفی دارد منحرف شدند؛ ۸۵۰ متر صعود ترکیبی دشوار، در زیر گرانیته معلق در ارتفاع ۶۴۰۰ متر، در بوران و فقط در مدت زمان یازده و نیم ساعت، ناشناخته بودن مسیر برای آن ها هم خود گویای کارایی غیر قابل وصف و شاهکار آن هاست، حتی اگر آن ها از طناب های قدیمی ژاپنی در قسمت های معمول مسیر استفاده کرده باشند.



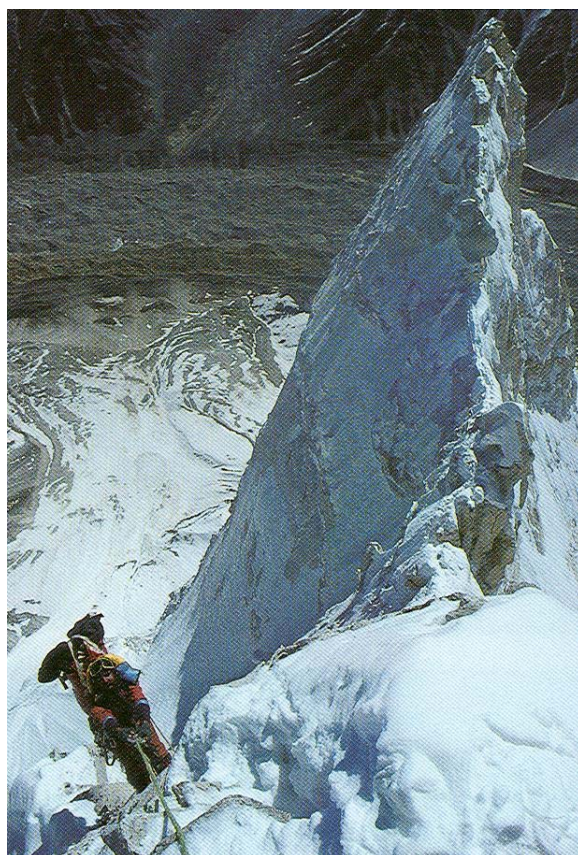
هانس کامرلاندر در هوای طوفانی بر روی مسیر مستقیم یال شمالی در سال ۱۹۹۳ دندان هایش را به هم می ساید. قسمت هایی از این مسیر به طرز نازیبا و غم انگیزی مملو از طناب هاست. (کریستف هاینتز)

مسیر مستقیم بر روی جبهه شمالی بسیار خارق العاده است و کوهنوردان بلندپرواز را به فکر صعود و دست و پنجه نرم کردن با آن می اندازد. اما با توجه به هدف این کتاب و در نبود اطلاعات دقیق، از آن صرف نظر می کنیم و به یال شرقی می پردازیم. به خاطر درجه سختی تا A۳، تیم صعود کننده در سال ۱۹۸۱ از تاکتیک های صعود از دیواره های بزرگ استفاده کردند. اما طبیعت بسیار خشن و سازش ناپذیر این یال به معنای لزوم تلاش طاقت فرسا بود، به طوری که صعود طول های کمی در هر روز امکان پذیر بود. اگر چه که اولین تیم صعود کننده معتقد بود که مخصوصاً در شرایط هوایی بهتر می توان این مسیر را سریعتر صعود کرد. فرود از ارتفاعات بالای روی این مسیر در هوای بد می تواند بسیار دشوار باشد، هر چند که در

این مسیر خطر بهمن وجود ندارد. صعود بر روی خط الرأس این یال بسیار لذت بخش است، چرا که به دیواره ای بسیار تماشایی ختم می شود که صعود آن برای تیم ۱۹۸۳ دو روز کامل طول کشید.



اندی پارکین درست در بالای گردنه، بر روی یال انتهایی منتهی به قله، در حال اتمام صعود یال غربی. قله جنوب غربی در پشت دهلیز قد برافراشته است. (شان اسمیت (Sean Smith))



ژرژ بتمبور در نزدیکی بالای یال شرقی، در حال یومار زدن بر روی اولین طول دیواره انتهایی است؛
دیواره ای که در بالای جبهه شمال شرقی آویزان است. (داگ اسکات)

فرودها به صورت سنتی از جبهه غربی انجام می شوند. اما بدون شناسایی نقاب فرود می تواند بسیار مشکل باشد، به خصوص زمانی که وضعیت نقاب رو به بدتر شدن داشته باشد. همان طوری که قبلاً گفته شد، جبهه جنوب شرقی در طرف دیگر گردنه در نوع خود یک سنگنوردی بی نظیر با فرودی امن بر روی طناب است.

نام کوه	شیولینگ
مکان	رشته گانگوتری، گاروال، هندوستان
ارتفاع	۶۵۴۳ متر
مسیر	یال شرقی، ۱۲۰۰ متر صعود عمودی، ۶۰ طول طناب، اغلب بر روی سنگ تا درجه سختی VI/A ^۳ ، در برخی نقاط صعود ترکیبی، مخصوصاً بر روی قسمت افقی مرکزی.
اولین صعود	قله در روز ۳ ژوئن ۱۹۷۴ توسط هوکام سینگ، آنگ تارکی، پمبا تارکی، لاکسمان سینگ و پاسانگ شریا از تیم پلیس مرزی هند - تبت و از مسیر یال غربی فتح شد.
اولین صعود مسیر	۳ تا ۱۵ ژوئن ۱۹۸۶ توسط ژرژ بتمبور (فرانسه)، داگ اسکات (بریتانیا)، گرگ چایلد و ریک وایت (استرالیا).
ارتفاع بارگاه اصلی	۴۳۰۰ متر، بر روی علفزار در تاپوان در تقاطع مرو و یخچال های گانگوتری.
جاده انتهایی	گانگوتری، در فاصله یکروزه از دهلی نو
طول مدت پیاده روی	۳ روز، در زمین های مسطح، از گاموک
فصل صعود	در پاییز، در ماه های سپتامبر و اکتبر آب و هوا بسیار پایدار است. اما دما ممکن است در این فصل سال بسیار پایین باشد، و احتمالاً در کل بهار بهترین فصل برای صعود است.
مجوز	بنیاد کوهنوردی هندوستان، دهلی نو
ضریب موفقیت	یال شرقی صعود مجددی نداشته است، اما جبهه شمال شرقی حداقل دو صعود داشته است. بر روی مسیر عادی یال غربی حداقل ۵۰٪ هیئت ها موفق بوده اند. مسیر دهلیز یال جنوب شرقی دو صعود موفق داشته است.

یال شرقی در کتاب	کتابنگاری
<p>Himalayan Climber(Hodder & Stoughton/Sierra Club, ۱۹۹۲)</p>	
<p>نوشته داگ اسکات و کتاب</p>	
<p>Thin Air (Mountaineers/Oxford Illustrated Press, ۱۹۸۸)</p>	
<p>نوشته گرگ چایلد به خوبی ثبت شده اند. گزارش ژرژ بتمبرور را می توان در شماره</p>	
<p>۸۴ مجله Mountain خواند. سایر مسیرها در AAJ و HJ و کتاب جان بایچ با</p>	
<p>عنوان</p>	
<p>Peaks and Passes of Garhwal Himalaya (Alpinistyczny Klub Eksploracyjny, u.l. Armii Krajowej ۱۲, ۸۱-۸۴۹ Sopot, Hungary)</p>	
<p>شرح داده شده اند.</p>	